

# The Gambler



# FYODOR

# DOSTOYEVSKY

ترجمه ی بخشی از رمان  
قمارباز

I'm back after two weeks of absence, our people have been living in rolentburg for three days now. I thought they were waiting for me like christ,but I was wrong .The general, who had a very relaxed and calm demeanour,treated me with pride and sent me to his sister. It was obvious that they finally managed to borrow money and it seemed that the general was avoiding my eyes.Maria Filipovna,who was very busy,did not speak to me except a few words;despite this,she took the money from me, counted

it and listened to my account until the end.

They were waiting for Meznetsov ,a Frenchman and an Englishman for the sumptuous dinner that Muscovites usually give whenever they are rich. When Polina Alexandrovna saw me, asked me why I was so late and immediately stopped.

It was clear that this was intentional.

بعد از دو هفته غیبت برگشته ام ، افراد ما سه روز است که در رولنتبورگ سکونت گزیده اند. فکر میکردم که مانند مسیح منتظر من هستند، ولی اشتباه می کردم. ژنرال که رفتاری بسیار آرام و فارغ داشت، با من با غرور رفتار می کرد و من را پیش خواهرش فرستاد. واضح بود که آن ها بالاخره موفق شده بودند پول قرض بگیرند و به نظر می آمد که ژنرال از نگاه من پرهیز میکرد. ماریا فیلیپوونا که سرش خیلی شلوغ بود، با من به جز چند کلمه صحبت نکرد؛ با این حال او پول را از من گرفت ، شمرد و به گزارش من تا آخر گوش داد .

آن ها منتظر مزنتسوف مرد فرانسوی و یک انگلیسی ، برای شام مجلی که مسکویی ها معمولاً هر وقت پولدار

باشند می دهند بودند. وقتی پولینا الکساندرونا من  
رادیو، پرسید که چرا اینقدر دیر کرده ام و فوراً منصرف  
شد.

مشخص بود که این کار عمدی بود.